

تار و پود زندگی پاک

دکتر میترا دانشور

اگر از شما سؤال کنند:

هدف کلی؟

هدف حوزهٔ یادگیری؟

هدف غایی؟

هدف واحد یادگیری؟

هدف کتاب؟



می‌بینید چقدر مفهوم و سطح پیدا شد. قرار نیست در این نوشته راجع به همه این‌ها صحبت کنیم. معمولاً وقتی در کارگاه‌های آموزشی این سؤالات را می‌پرسم افراد پاسخ می‌دهند:

• تربیت عبد صالح

• خلیفة‌الله

• حیات طیبه

• تربیت انسان کامل

اینجاست که می‌گویم سنگ بزرگ نشانه نزدن است. این اهداف که سال‌هاست در نظام آموزشی از آن نام می‌بریم و برای بنده و شما معادل هم به کار گرفته می‌شود هدف غایی تعلیم و تربیت و برای طول عمر آدمی هستند. نظام آموزشی حتی اگر بخواهد هم با زمانی که در اختیار دارد و انتظاراتی که از آن می‌رود نمی‌تواند کسی را به چنین اهدافی برساند. در اولین مقاله از این مجموعه با عنوان «با تربیت یا بی تربیت، مسئله این است» نیمی از تعریف تربیت از مبانی نظری سند تحول بنیادین را بررسی و از آن معیارهایی برای قضاوت درباره میزان تحولی بودن تغییرات استخراج کردیم. این بار به نیم دیگر آنکه هدف کلی نظام آموزش و پرورش را مشخص می‌سازد توجه کنید.

«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.»

در این هدف کدام واژه‌ها توجه شما را جلب کرد. هدایت؟ آماده شدن؟ آگاهانه؟ اختیاری؟ حیات طیبه؟ ابعاد؟ ... بیایید ببینیم هر یک از این واژه‌ها چه تأثیری روی کار بنده و شما دارد.

• هدف «هدایت» است، پس ما هدایتگر دانش‌آموزان هستیم؛

• هدف «آماده شدن» دانش‌آموز است، پس ما باید او را آماده کنیم؛

• هدف «تحقق آگاهانه...» است، پس ما باید به او درباره چیزی آگاهی بدهیم؛

• هدف «تحقق اختیاری...» است، پس او در این مسیر اختیار دارد؛

• هدف «تحقق... مراتب حیات طیبه...» است، پس او مراتبی را باید طی کند؛

• هدف «... در همه ابعاد» است. پس او

ابعادی دارد که باید رشد کند.

گام اول را که برداشتید گام بعدی به دنبال آن می‌آید. حال این سؤالات را از خود بپرسیم!

• چگونه او را هدایت کنیم؟

• چگونه و برای چه چیزی او را آماده کنیم؟

• درباره چه چیزی و چگونه به او آگاهی بدهیم؟

• اختیار او را چگونه لحاظ کنیم؟

• حیات طیبه چیست و مراتب آن کدامند؟

• مراتب را برای هر یک از دانش‌آموزان چگونه مدنظر قرار دهیم؟

• منظور از همه ابعاد و نقش من در پرورش آن‌ها چیست؟

حتما پیش خود فکر می‌کنید عجب سندی برایمان نوشته‌اند. هر واژه‌اش تعریف می‌خواهد و چند «گر... آنگاه» از آن استخراج می‌شود.

بگذارید اول تکلیف حیات طیبه را روشن کنیم. دست‌اندرکاران تولید سند می‌گویند: «حیات طیبه یعنی زندگی پاک و پسندیده»^۱ پس ما قرار است دانش‌آموزان را در مسیر آماده شدن برای تحقق مراتبی از زندگی پاک و پسندیده‌اش هدایت کنیم و اگر این معنا را کنار سایر موارد قرار دهیم به معنی آن است که:

۱. ما فقط آن‌ها را «آماده» می‌کنیم؛

ولی خودشان باید مسیر را طی کنند؛

۲. هر یک از آن‌ها مراتبی از زندگی پاک و پسندیده را طی می‌کند که با دیگران تفاوت دارد؛

۳. آن‌ها آگاهانه و اختیاری نه با جبر و فشار این مسیر و مراتب را طی می‌کنند؛

۴. آن‌ها در همه ابعاد این مسیر و مراتب را طی می‌کنند.

اما کدام ابعاد؟ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به این سؤال نیز پاسخ داده است. این سند شش ساحت را برای انسان برمی‌شمارد.

• تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

• تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی

• تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

• تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری

• تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

• تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه

نگران واژه «ساحت» نشوید. در اسناد قبلی آن‌ها را «عرصه» و «بُعد» نیز

نامیده‌اند. برخی این ساحت‌ها را در نه، هشت و ... طبقه تقسیم‌بندی می‌کنند. ما خودمان را وارد این اختلافات نکنیم. خلاصه اینکه انسان تک‌بعدی نیست و باید همه ابعاد وجودش را پرورش دهیم. نگاهی به جدول ساعات درسی بیندازید. به نظر تان عنوان درسی‌ها به این ساحت‌ها نزدیک نیستند؟ مثلاً آیا درس هنر برای تربیت زیباشناختی و هنری پیش‌بینی نشده؟ یا درس تربیت‌بدنی و ورزش برای تربیت زیستی و بدنی؟ یا دروس علوم تجربی و ریاضی برای تربیت علمی و فناوریانه؟ یا درس مطالعات اجتماعی برای تربیت اجتماعی و سیاسی؟ یا درس کار و فناوری برای تربیت حرفه‌ای؟ یا دروس دینی و قرآن برای پرورش اعتقادی، عبادی و اخلاقی؟ شاید سراغ زبان و ادبیات را نیز بگیرید که پس این درس چیست؟ یا درسی مثل تفکر که به تازگی به جدول ساعت درسی همه مقاطع اضافه شده است این‌ها فراساحت یا فراحوزه هستند که در فرصتی دیگر درباره آن‌ها بحث خواهیم کرد.

مگر نه اینکه رشد جسمی، عاطفی، شناختی و فکری، اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و ... برای زندگی پاک و پسندیده ضروری است؟ حال بگوئید شما پرورش کدام بُعدش را بر عهده گرفته‌اید؟ چقدر به درسی که تدریس می‌کنید با این دید نگاه کرده‌اید که «قرار است بعدی از ابعاد وجودی دانش‌آموز را پرورش دهد تا او را آماده سازد که مرتبه‌ای از زندگی پاک و پسندیده‌اش را طی کند.» همکاران شما تا چه اندازه با این نگرش تدریس می‌کنند؟ کتاب‌های درسی تا چه اندازه با این نگرش تألیف می‌شوند؟ برنامه‌ها و انواع طرح‌هایی که وارد مدرسه می‌شوند تا چه اندازه با این نگرش همخوانی دارند؟ آری تحقق حیات طیبه در دوازده سال تحصیل، امکان‌پذیر نیست اما آماده کردن دانش‌آموزان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتبی از زندگی پاک و پسندیده، سنگ بزرگ نیست؛ به شرطی که چشم‌ها را بشوییم و در جهت هدف اصلی کار کنیم نه فقط تدریس کتاب‌های درسی! کتاب‌های درسی وسیله‌اند، هدف نیستند.

* پی‌نوشت

۱. نقل به مضمون از حجت‌الاسلام دکتر صادق زاده